



## طراحی مدلی برای پیاده‌سازی استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی شماره (۱۷)

مهدی اسکافی اصل<sup>۱</sup>

فرزانه حیدرپور<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۲۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۲۷

### چکیده

تصویب گسترده استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی در صنعت بیمه یکی از مهمترین تحولات در تاریخ حسابداری است. هدف اصلی تحقیق، شناسایی چالش‌های عمومی و خاص پیش روی صنعت بیمه در اجرای استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی شماره (۱۷) و ارائه مدل مناسب برای پیاده‌سازی استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی شماره (۱۷) است. داده‌ها بر اساس مصاحبه‌هایی که با صاحب‌نظران در صنعت بیمه در سطوح مختلف انجام شده، جمع‌آوری شده است؛ بنابراین این پژوهش از نظر هدف کاربردی، از نظر ماهیت از نوع کیفی و از نظر استراتژی، نظریه زمینه بنیان است. جامعه آماری پژوهش صاحب‌نظران در صنعت بیمه هستند که تجربه کافی در زمینه گزارشگری مالی دارند. نمونه آماری بر اساس روش نمونه‌گیری هدفمند انجام شده است. نتایج نشان می‌دهد که مقوله‌هایی به مانند بازار رقابتی/انحصاری؛ سیاست‌های بیمه مرکزی؛ کشش قیمتی در صنعت بیمه؛ تطابق قوانین جاری با نیازهای بازار؛ پیشگام بودن قوانین؛ نظارت بر صنعت بیمه؛ تحریم‌ها؛ روابط بین‌المللی؛ مدل‌ها و پیش‌فرض‌ها و تنظیمات ورودی؛ سیاست سرمایه‌گذاری در صنعت بیمه؛ کیفیت و ... نقش با اهمیت در پیاده‌سازی استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی شماره (۱۷) در صنعت بیمه دارد.

**واژه‌های کلیدی:** استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، حاکمیت داده‌ها، صنعت بیمه، نظریه زمینه بنیان.

۱- گروه حسابداری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲- گروه حسابداری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. نویسنده مسئول. fheidarpour@yahoo.com

## ۱- مقدمه

صنعت بیمه به عنوان یکی از نهادهای مالی از لحاظ ابعاد اقتصادی و اجتماعی دارای اثرات بااهمیتی بر اقتصاد است و بارزترین اثر فعالیت‌های بیمه ایجاد اطمینان و آسایش خاطر برای بیمه‌گذاران است. صنعت بیمه، با برخورداری از مجموعه وسیع نیروی انسانی و شبکه گسترده‌ای از شعب، نمایندگی‌ها و سایر ارکان بیمه‌ای، می‌تواند نقش حائز اهمیتیتی در توسعه اقتصادی کشور ایفا کند. در راستای سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی در فضای کسب‌وکار صنعت بیمه کشور اقداماتی مانند واگذاری بیمه‌های دولتی به بخش خصوصی، آزادسازی تعرفه‌های بیمه‌ای و توانمندسازی صنعت بیمه انجام گرفته است (صالحی و همکاران ۱۳۹۵). پیامدها و ابعاد فراگیر اقتصادی و اجتماعی عملکرد شرکت‌های بیمه در سطح کلان و خرد ایجاب می‌کند تا اطلاعات موردنیاز استفاده‌کنندگان از گزارش‌های مالی این شرکت‌ها به ویژه در مورد عملکرد و وضعیت مالی، به صورت مربوط، قابل اتکا، قابل مقایسه و استاندارد فراهم گردد. چنین اطلاعاتی باید با رعایت استانداردهای حسابداری تهیه و ارائه گردد (بولو، ۱۳۸۵)؛ بنابراین وجود استانداردهای حسابداری و استانداردهای گزارشگری مالی مرتبط با این موضوع بسیار حائز اهمیت است. در حال حاضر استاندارد حسابداری شماره ۲۸ با عنوان قراردادهای بیمه در کشور ایران وجود دارد که کاستی‌هایی در آن مشاهده می‌شود. برای نمونه استاندارد مذکور تنها در خصوص بیمه‌های عمومی (غیرزندگی) است. همچنین یکی از نواقص استاندارد فوق، کاهش ذخایر است زیرا طبق این استاندارد ذخیره برگشت حق بیمه و ذخیره فنی تکمیلی و ریسک‌های طبیعی در نظر گرفته نمی‌شود؛ همین امر منجر به گزارش سود بیش از واقع و در نهایت موجب پایین آمدن ظرفیت سرمایه‌گذاری شرکت‌های بیمه‌گردیده که بستگی به شرایط شرکت‌ها از نظر ترکیب پرتفوی و زمان صدور بیمه‌نامه‌ها دارد. از سوی دیگر تصویب گسترده استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی یکی از مهمترین تحولات در تاریخ حسابداری است و موجب رشد روزافزون تحقیقات در این زمینه شده است. طرفداران استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی استدلال می‌کنند که یک مجموعه از استانداردهای حسابداری با کیفیت بالا، قابلیت مقایسه بین‌المللی را تسهیل می‌کند و محیط اطلاعاتی را که شرکت‌های استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی پذیرفته‌اند، به طور قابل توجهی بهبود می‌بخشد (کمیسیون اروپا، ۲۰۰۲). بسیاری از مطالعات نشان می‌دهد که پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی منجر به افزایش اطلاعات قابل اتکا و مربوط (تن و همکاران<sup>۱</sup>، ۲۰۱۱)، اطلاعات بیشتر در مورد درآمدها (لندس من و همکاران<sup>۲</sup>، ۲۰۱۲)، محیط اطلاعاتی پیشرفته تحلیلگر (یارد و همکاران<sup>۳</sup>، ۲۰۱۳؛ هاگدان و همکاران<sup>۴</sup>، ۲۰۰۸؛ هورتون و همکاران، ۲۰۱۳) و افزایش انتقال اطلاعات بین کشورها (کیم و لی<sup>۵</sup>، ۲۰۱۰) می‌شود. همانطور که

افشای اطلاعات اجباری و داوطلبانه شرکت‌ها اغلب در هم آمیخته شده است (بئیر و همکاران، ۲۰۱۰؛ داتا و گیگلر<sup>۶</sup>، ۲۰۰۲)، پذیرش استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، به طور مستقیم می‌تواند بر محیط اطلاعاتی خارجی، از طریق بهبود افشای اجباری (استیج لانرس<sup>۷</sup>، ۲۰۱۶) و به طور غیر مستقیم از طریق بهبود داوطلبانه افشا (هرست و همکاران<sup>۸</sup>، ۲۰۰۸) تأثیر بگذارد. همانطور که لی و یانگ<sup>۹</sup> (۲۰۱۶) نشان دادند، افشای داوطلبانه پس از اتخاذ استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی در کنار بهبود کیفیت گزارش اجباری افزایش می‌یابد. در تاریخ ۱۸ می ۲۰۱۷ هیئت تدوین استانداردهای بین‌المللی حسابداری، استاندارد قراردادهای بیمه‌ای، (استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی ۱۷) را صادر نمود. این استاندارد برای اولین بار برای گزارش دوره‌ای که از اول ژانویه ۲۰۲۱، قابل اجرا خواهد شد. لیکن این امر نیاز به بازنگری کلی صورت‌های مالی بیمه‌گران و تغییرات اساسی در زیرساخت‌های گزارشگری مالی دارد. با توجه به پژوهش‌های اندک صورت گرفته در خصوص «پیاده‌سازی استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی شماره ۱۷»، پژوهشگر اعتقاد دارد این پژوهش می‌تواند راه گشای انجام مطالعات آتی در خصوص «استانداردهای حسابداری مرتبط با بیمه» مورد نیاز جمهوری اسلامی ایران را فراهم آورد. در این مطالعه، بر حوزه استاندارد حسابداری بیمه تمرکز شده است و با تکیه بر نظریه زمینه بنیان در ابتدا سعی در شناسایی نقاط ضعف پیاده‌سازی در این حوزه هستیم. سعی شده است تا عوامل بااهمیت بر اجرای مؤثر استاندارد مذکور در حوزه بیمه را تعیین و چارچوب مناسب پیاده‌سازی را برای حوزه بیمه، تدوین نماییم. این پژوهش اولین مطالعه‌ای است که در حوزه استاندارد حسابداری بیمه در صنعت انجام می‌شود. بیشتر تحقیقاتی که در این حوزه انجام شده تأکید بر رویکرد کمی بوده بدون اینکه چالش‌های اصلی پیاده‌سازی استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی شماره ۱۷ در صنعت بیمه مشخص شود و هیچ یک از آنها تا اینگونه به بخش خاصی تمرکز نکرده‌اند. لذا هدف اصلی این تحقیق طراحی مدل مناسب برای پیاده‌سازی استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی شماره (۱۷) در صنعت بیمه کشور است.

## ۲- چارچوب نظری و پیشینه تحقیق

### ۲-۱- شفافیت گزارشگری مالی

بازارهای مهم و فعال از جمله بازار سرمایه نیازمند اطلاعات شفاف هستند که این اطلاعات بر عملکرد آنها تأثیر بسزایی دارد (حیدرپور و زارع، ۱۳۹۳). شفافیت، به عنوان ابزاری برای رشد و توسعه جامعه ضروری است (حساس یگانه و همکاران، ۱۳۹۷). در جوامع مردم‌سالار دسترسی به اطلاعات شفاف یکی از حقوق اصلی افراد بشمار می‌رود. شهروندان حق دارند در مورد تصمیمات

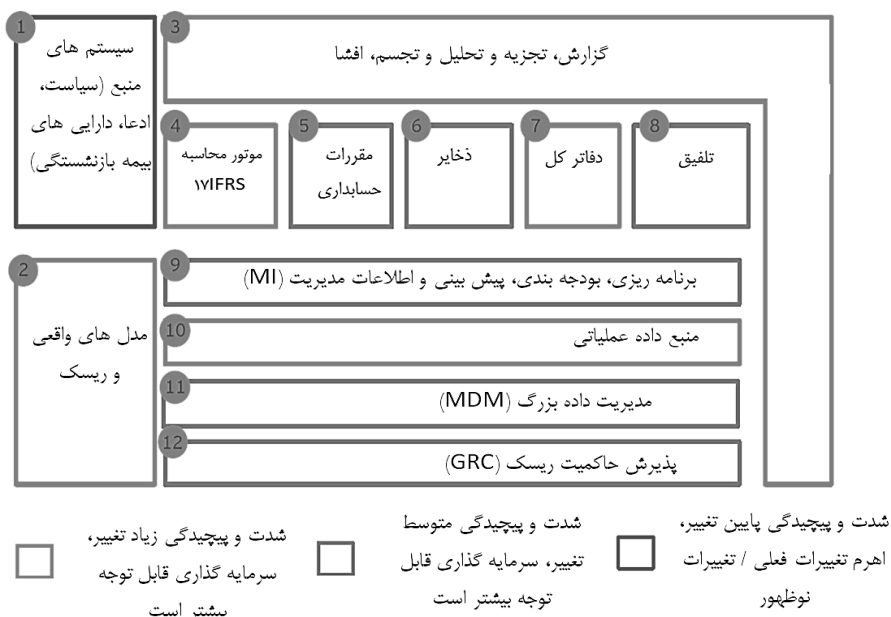
مباشرا نشان (دولت‌ها و نهادهای عمومی) و مبانی این تصمیمات اطلاعات کافی داشته باشند. شفافیت و پاسخگویی وابستگی بسیاری به یکدیگر دارند. (دببیازا و اکلس<sup>۱۰</sup>، ۲۰۰۲). شفافیت شرکتی به صورت اتخاذ، ترفیع و توسعه روش‌شناسی‌های تحلیلی جدید که روشنی و همسانی را برای اطلاعات در دسترس سرمایه‌گذاران و تحلیل‌گران به همراه می‌آورد، تعریف می‌شود (علوی و همکاران، ۱۳۹۸). شفافیت باعث کاهش عدم اطمینان بازار در خصوص تصمیمات آنی قانونگذاران گردیده و در نتیجه قابلیت پیش‌بینی سیاست‌های پولی و کارایی بازارهای مالی را افزایش می‌دهد. نبود اطلاعات شفاف در بازارهای مالی عامل تعیین‌کننده‌ای در ورود حجم عظیمی از سرمایه‌گذاری‌های خارجی و خروج سریع آنها در صورت بروز بحران به شمار می‌رود (سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه<sup>۱۱</sup>، ۲۰۰۴). شفافیت اطلاعات عبارت است از یک همگرایی از شاخه‌های مختلف اطلاعات و نقل‌وانتقال آن‌ها به گروه‌های ذینفع در زمانی که آنها به مطالعات نیازمند هستند. عدم شفافیت به عنوان ممانعت عمدی از دسترسی به اطلاعات، ارائه نادرست اطلاعات یا ناتوانی بازار در کسب اطمینان از کفایت مربوط بودن و کیفیت اطلاعات ارائه شده تعریف شده است (نعمت‌الهی و همکاران، ۱۳۹۸).

### استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی 17

استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی 17، سازمان‌ها را ملزم نموده است که برای اطمینان از راهبری اطلاعات سازمانی، نسبت به شفافیت در کل زنجیره گزارشگری، سیستم‌های مناسب را طراحی نماید. این وظیفه، شامل طیف وسیعی از داده‌های تاریخی تا داده‌های جاری (مثلاً اطلاعات و داده‌های حقوقی) خواهد بود (روهام<sup>۱۲</sup>، ۲۰۱۷). برای شروع، بیمه‌گران باید سهامداران خود را آگاه نمایند تا جریان داده‌های فعلی را بررسی و شکاف بالقوه را شناسایی کنند. در انجام این کار، مهم است که در حاکمیت و راهبری شرکتی، آینده در نظر گرفته شود تا نیازهای داده‌ها را در بین اطلاعات موجود و چشم‌انداز سیستم‌ها شناسایی گردد. علاوه بر جریان داده‌ها و تجزیه و تحلیل سیستم‌ها، مهم است که قابلیت‌های مدیریت داده‌ها در سطح سازمانی بررسی شود. این امر شامل، معماری و جریان داده‌ها (به عنوان مثال، اطلاعات اصلی و مرجع آنها برای استفاده‌های چندگانه)، فرایند اداره داده‌ها و سیاست‌ها (مانند کنترل دسترسی و مالکیت بر داده‌ها) و مدل عملیاتی هدف (مانند اداره اطلاعات اصلی و مدل مورد استفاده) می‌شود (استیج لانرس، ۲۰۱۶). این مرحله کمک می‌کند تا معماری داده‌های هدف، به منظور تطابق با استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی 17 و در جهت استراتژیک شرکت در مدیریت داده‌ها مشخص شود. افشای الزامات استاندارد مذکور شامل

صورت‌های مالی با حساب‌های جدید؛ حاشیه خدمات قراردادی، ارزش فعلی جریان نقد مورد انتظار و مدیریت ریسک (ارنست اند یانگ، ۲۰۱۸).

برای بیمه‌گران، محتوا و ساختار داده‌های گرفته شده از محصولات، اوراق بهادار و واحدهای تجاری برای پشتیبانی از گزارش‌های استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی 17 به طور قابل توجهی تغییر خواهد کرد. برای این امر نیاز به تغییرات در سیستم‌های حسابداری و مالی است (استیج لانس، ۲۰۱۶). علاوه بر این، تغییرات در صورت‌های مالی و افشاء اولیه بر ساختار حساب‌ها و نمودار حساب‌ها در سطح گروه و واحد تجاری تأثیر خواهد گذاشت. درک شکاف‌های داده‌ها، سیستم‌ها و فرایندها برای موفقیت استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی 17 اهمیت خواهد داشت (بئیر و همکاران، ۲۰۱۰). این به تجزیه و تحلیل دقیق معماری سیستم‌های موجود، قابلیت‌ها و توانایی‌های آن نیاز خواهد داشت تا بهترین ترکیب سیستم‌ها را برای حالت هدف که از شرکت‌ها پشتیبانی می‌کند، طراحی کند. در شکل (۱) این تأثیرات نشان داده شده است (ارنست و یانگ، ۲۰۱۸).



شکل ۱- تأثیرات اجرای استاندارد گزارشگری مالی شماره ۱۷

(ارنست و یانگ، ۲۰۱۸)

## ۲-۲- روش‌های اندازه‌گیری در استاندارد گزارشگری مالی شماره ۱۷

**الف- مدل عمومی؛** بر اساس استاندارد گزارشگری مالی شماره ۱۷، برای اندازه‌گیری اصولی به منظور شناسایی درآمد از محل خدمات ارائه شده مطابق قراردادهای بیمه‌ای از مدل عمومی اندازه‌گیری استفاده خواهد شد که یک مدل جدید و جامع برای اندازه‌گیری در حسابداری است. این مدل بر مبنای رویه کامل شدن جریان و تعهدات یک قرارداد و بر اساس فرضیات جاری، بنا شده است و معرف یک اصول واحد برای شناسایی درآمدهای حاصل از سرویس‌های ارائه شده است. در این مدل اندازه‌گیری سود قراردادهای بیمه بر اساس تنزیل جریان‌های نقدی مورد انتظار قرارداد بیمه انجام می‌شود و سود بیمه‌گر در طول زمان و متناسب با انتقال خدمات به بیمه‌گذار محقق می‌شود. طبق این مدل، در شناسایی اولیه، یک واحد باید گروهی از قراردادهای بیمه‌ای را با در نظر گرفتن جریان‌های نقدینگی شامل برآوردهای جریان‌های نقدینگی آینده؛ تعدیلی برای بازتاب دادن ارزش زمانی پول و ریسک‌های مالی مرتبط با جریان‌های نقدینگی آینده تا حدی که ریسک‌های مالی در برآوردهای جریان‌های نقدینگی آینده لحاظ نشود و یک تعدیل ریسک غیر مالی و حاشیه خدمات قراردادی اندازه‌گیری نماید (استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی شماره ۱۷)

**ب- رویکرد تخصیص حق بیمه؛** یک واحد اقتصادی با رویکرد استفاده از تخصیص حق بیمه، بدهی پوشش باقیمانده را به شرح زیر اندازه‌گیری خواهد کرد (استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی شماره ۱۷): در شناسایی اولیه، ارزش ثبت شده بدهی عبارت است از:

- حقوق بیمه در صورت وجود داشتن که در شناسایی اولیه دریافت می‌شوند؛
- منهای هر گونه جریان وجوه نقد اکتسابی بیمه در آن تاریخ، مگر آنکه یک واحد، انتخاب کند که شناسایی پرداخت‌ها را به عنوان هزینه شناسایی نماید؛ و
- به علاوه یا منهای هر مبلغی که از شناسایی در آن تاریخ دارایی یا بدهی که برای جریان‌های وجوه نقد شناسایی شده‌اند.

در پایان هر دوره گزارشگری متناوب، ارزش ثبت شده بدهی همان ارزش ثبت شده در آغاز دوره گزارشگری است:

- به علاوه حقوق بیمه دریافت شده در دوره؛
- منهای جریان وجوه نقد اکتساب بیمه؛ مگر آنکه واحد انتخاب کند که پرداخت‌ها را به عنوان هزینه شناسایی نماید.

- به علاوه هر مبلغی که مرتبط با استهلاک جریان‌های وجوه نقد اکتساب بیمه که به عنوان هزینه در دوره گزارشگری شناسایی شوند؛ مگر آن که واحد انتخاب کند که جریان‌های وجوه نقد اکتساب بیمه را به عنوان هزینه شناسایی نماید.
- به علاوه هر نوع تعدیلات بر جزء تأمین مالی؛
- منهای هر نوع جزء سرمایه‌گذاری پرداخت شده یا انتقال یافته به بدهی برای مطالبات متحمل شده.

ج- رویکرد حق‌الزحمه متغیر؛ رویکرد هزینه متغیر برای قراردادهای بیمه با ویژگی‌های مشارکتی مستقیم اعمال می‌شود. یک قرارداد بیمه، قرارداد مشارکتی مستقیم است اگر معیارهای زیر را برآورده کند:

- شرایط قرارداد مشخص می‌کند که دارنده بیمه در سهم یک مجموعه کاملاً مشخص از اقلام اساسی شرکت دارد
- واحد تجاری انتظار دارد که به بیمه‌گذار مبلغی برابر با سهم قابل توجهی از ارزش بازده واقعی را پرداخت نماید و
- واحد تجاری انتظار دارد که نسبت قابل توجهی از هر گونه تغییر در مبلغی که باید به دارنده بیمه پرداخت شود، با تغییر در ارزش عادلانه اقلام اساسی متفاوت باشد.

### ۲-۳- الزامات و چالش‌های پیاده‌سازی استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی 17

رویکرد جامع برای اجرا و پوشش ابعاد مختلف مالی، مدل عملیاتی هدف<sup>۱۳</sup> است. در پیاده‌سازی استاندارد مذکور، بیشتر انتظار می‌رود که چالش‌های درک تأثیرات عملیاتی بر داده، سیستم‌ها و فرایندها<sup>۱۴</sup> باشد و بنابراین مهم است که در حال حاضر به این تغییرات توجه بیشتری شود. موارد زیر نشان‌دهنده برخی از تأثیرات استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی 17 در ابعاد مختلف مالی مدل عملیاتی هدف است (ارنست و یانگ، ۲۰۱۸).

(۱) سیاست‌ها؛ سیاست‌های جدید حسابداری / دستورالعمل‌ها و روش‌های کنترل، دستورالعمل‌های روش محاسبه استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی 17 و دستورالعمل‌های گزارشگری، مدل‌ها و پیش‌فرض‌ها و تنظیمات ورودی، کدینگ عمومی حسابداری (GL) نمودار تغییرات و حساب‌های محلی، تغییرات سیاست سرمایه‌گذاری (استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی ۹).

(۲) فرآیندها؛ تنظیم مفاهیم حقیقی و دستورالعمل، به‌روزرسانی فرایندهای گزارش دهی، فرایندهای مشروح، روش‌های برنامه‌ریزی، مدیریت ریسک، تغییرات در قالب‌های

- گزارش داخلی و خارجی از جمله بسته‌های گزارش گروهی، کنترل‌های داخلی و پیگیری‌های حسابرسی و برنامه‌ریزی، برنامه‌ریزی بودجه و فرآیندهای پیش‌بینی.
- (۳) مدیریت عملکرد؛ تغییرات در گزارش‌های مدیریت اطلاعات و شاخص‌های عملکرد کلیدی، مدیریت مبتنی بر ارزش، کارت متوازن و تنظیمات طرح انگیزشی سازمان، تغییرات نقش‌ها و مسئولیت، مفاد مقررات فنی / کمیته قضاوت کارشناس، تأثیر قراردادهای برون‌سپاری، گزارش تلفیقی در مقابل گزارش‌های سطح سازمانی.
- (۴) داده‌ها؛ الزامات اطلاعات جدید گزارشگری مالی (ورودی / خروجی) با جزئیات دقیق، ارزیابی داده‌ها در سطوح مختلف، کیفیت داده، ذخیره‌سازی و بایگانی، امنیت داده‌ها و کنترل، حاکمیت داده‌ها و داده‌های اصلی و تقاضای یک منبع حقیقی برای اطلاعات مالی و ریسک.
- (۵) منابع انسانی<sup>۱۵</sup>؛ آموزش فنی و کاربردی، همکاری متقابل (کسب‌وکار، فناوری، مالی و ریسک)، منابع و بودجه پروژه، مدیریت تغییر فرسودگی.
- (۶) سیستم‌ها؛ تأثیرات بر سیستم‌های اصلی بیمه، سیستم‌های سرمایه‌گذاری، سیستم‌های حسابرسی، سیستم‌های گزارشگری، منطق ارسال / موتور جدید برای استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی 17، ابزار تثبیت و گزارش سیستم تغییرات، تغییرات در رابط‌های سیستم، تقاضا برای انعطاف‌پذیری در چشم‌انداز سیستم واقعی، ویژگی‌های سیستم جدید،
- طبق بخشنامه بیمه مرکزی و در راستای اجرای استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی ۱۷ در صنعت بیمه چالش‌هایی به شرح زیر وجود دارد.
- (۱) موانع و مسائل مرتبط با تعهدات بیمه‌ای در تاریخ گزارشگری با استفاده از برآوردهای جاری از مبلغ، زمان‌بندی، نرخ تنزیل و موارد مرتبط با این موارد و سازگار با اطلاعات بازار.
- (۲) موانع و مسائل مرتبط با تعیین ارزش منصفانه دارایی‌های پشتوانه بدهی‌های بیمه‌ای در تاریخ گزارشگری.
- (۳) تغییرات اساسی در سیستم‌های مالی و اطلاعاتی و فنی جهت جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز در خصوص هریک از موارد فوق.
- (۴) آمادگی و تخصیص هزینه اجرای استانداردهای بین‌المللی مربوط به مرحله استقرار و استمرار اقدامات مذکور نظیر تعیین و تعدیل حاشیه خدمات قراردادهای بیمه‌ای، افشاء



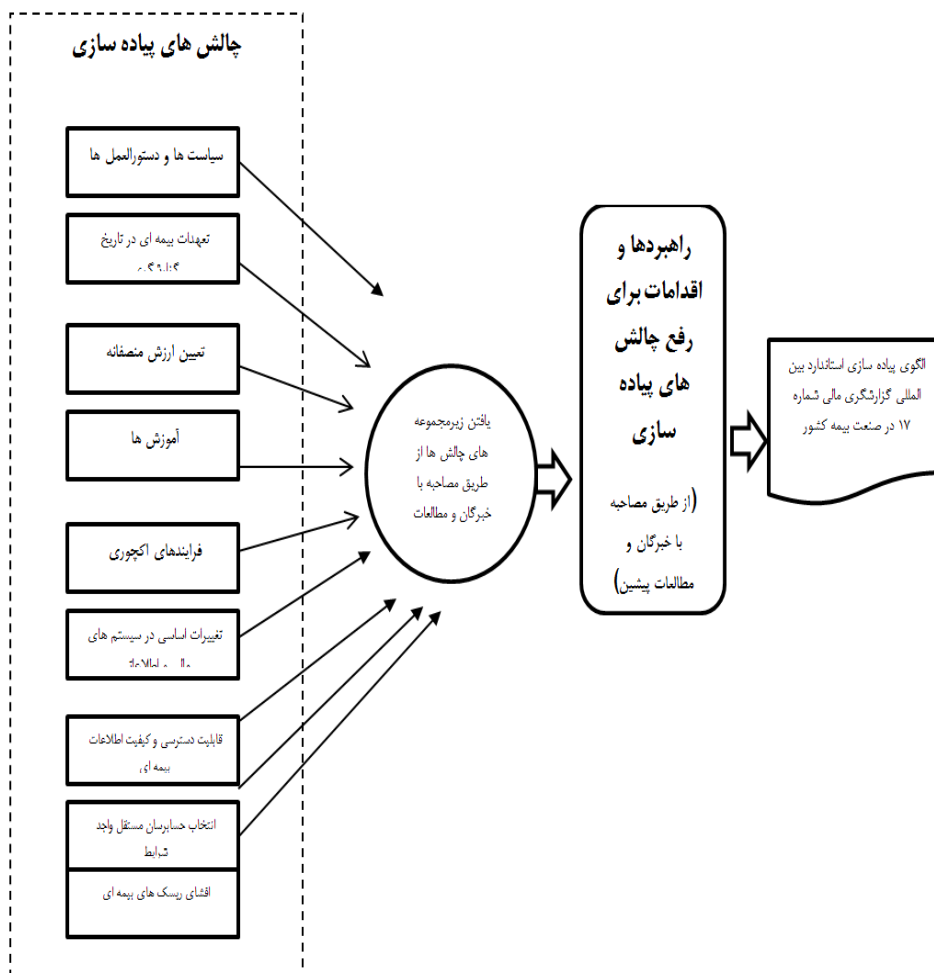
- اطلاعات کافی مورد انتظار استاندارد مذکور، هزینه‌های مربوط به حفظ و نگهداری سیستم‌ها و فرایندهای اکچوری، مالی و حسابداری، سیستم‌های کنترل داخلی و غیره.
- (۵) پیش‌بینی زمان‌بندی اجرای استاندارد بین‌المللی ۱۷ در بخش بیمه‌های زندگی و غیرزندگی و درمان.
- (۶) ایجاد آمادگی لازم و آگاهی برای ذینفعان در خصوص تأثیرات اجرای استانداردهای بین‌المللی بر وضعیت مالی شرکت‌های بیمه.
- (۷) آموزش کارکنان و مسئولین ذیربط مجری استانداردهای بین‌المللی.
- (۸) بررسی مدل‌های مالی و اکچوئری و چارچوب مدیریت ریسک و اجرایی نمودن آنها در تطابق با استانداردهای مذکور.
- (۹) بررسی قابلیت دسترسی و کیفیت اطلاعات بیمه‌ای مورد نیاز مطابق با استاندارد گزارشگری مالی شماره ۱۷.
- (۱۰) پیش‌بینی‌های لازم در خصوص انتخاب حساب‌ساز مستقل واجد شرایط و مسلط بر استاندارد گزارشگری مالی شماره ۱۷.
- (۱۱) انجام اقدامات لازم جهت تفکیک حساب‌های بیمه‌های زندگی از بیمه‌های غیرزندگی به طور عام و تفکیک جزء سرمایه‌گذاری بیمه‌های عمر و سرمایه‌گذاری از اجزای بیمه‌ای قراردادهای مذکور.
- (۱۲) برنامه‌ریزی جهت اجرای روش‌های حسابداری بیمه‌های اتکایی.
- (۱۳) آمادگی جهت انجام محاسبات، تعدیل و موارد افشای ریسک‌های بیمه‌ای و افشای اثرات نوسانات بر سود و حقوق صاحبان سرمایه.

تحقیقات اندکی در حوزه استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی (۱۷) در کشور انجام شده است. لیکن برخی از تحقیقات انجام شده در حوزه گزارشگری مالی در صنعت بیمه به شرح زیر است: اورادی و همکاران (۱۳۹۷) طبق تحقیقی با عنوان استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی: مزایا و چالش‌ها برای سرمایه‌گذاران نشان دادند که نکته قابل تأمل این است که بیشتر فعالان اقتصادی برای دستیابی به آینده مورد انتظار در سطح ملی فعالیت می‌کنند و با توجه به روابط پیچیده سیاست و بازار، میزان همگرایی استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی که به سرعت در سراسر جهان گسترش یافته و به عنوان چارچوبی نوین ارائه‌دهنده راهبردی پذیرفته شده و فراگیر در حسابداری است، مشخص نخواهد شد. همچنین، جهانی‌سازی استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی پیامدهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی گوناگونی در پی خواهد داشت و با توجه به

اینکه در کشور ما نیز، استانداردهای حسابداری بر پایه استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی تهیه و تدوین می‌شوند. دارابی و همکاران (۱۳۹۲)، با تحقیقی به مقایسه استاندارد حسابداری شماره ۲۸ با آئین‌نامه شماره ۵۸ شورای عالی بیمه و تأثیر مغایرت‌های موجود بر سود و مالیات عملکرد شرکت‌های بیمه پرداخته‌اند.

### ۳- مدل پژوهش

بر اساس مفاهیم نظری و بررسی پیشینه تحقیقات انجام شده، مدل مفهومی پژوهش طراحی شده است. در مدل پژوهش، ابتدا چالش‌های پیاده‌سازی استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی شماره ۱۷ بر اساس مطالعه پیشین استخراج شد که شامل؛ سیاست‌ها و دستورالعمل‌ها؛ تعهدات بیمه‌ای در تاریخ گزارشگری؛ تعیین ارزش منصفانه؛ آموزش‌ها؛ فرایندهای اکچوری؛ تغییرات اساسی در سیستم‌های مالی و اطلاعاتی؛ قابلیت دسترسی و کیفیت اطلاعات بیمه‌ای؛ افشای ریسک‌های بیمه‌ای و... است. در مرحله بعدی راهبردها و اقدامات برای رفع چالش‌های پیاده‌سازی از طریق مصاحبه با خبرگان و مطالعات پیشین به دست می‌آید و بر اساس الگوهای نظریه زمینه بنیان، مدل پیاده‌سازی استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی شماره ۱۷ در صنعت بیمه کشور طراحی می‌شود. بر همین اساس مدل مفهومی پژوهش به شرح شکل (۲) است.



شکل ۲- مدل مفهومی پژوهش  
(منبع: یافته‌های پژوهشگر)

#### ۴- بیان مسئله پژوهش

تحقیقات پیشین بیانگر آن است که قبول استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی منجر به بهبود کیفیت اطلاعات قابل اتکا و مربوط (تن و همکاران<sup>۱۶</sup>، ۲۰۱۱)، می‌شود. همچنین مطالعه لندسمن و همکاران (۲۰۱۲) نیز بیانگر آن است که پذیرش استانداردهای گزارشگری مالی در صنعت بیمه می‌تواند منجر به ارائه اطلاعات قابل اتکا و مربوط نسبت به درآمدها شود. از سوی دیگر محیط اطلاعاتی تحلیلگر (یارد و همکاران<sup>۱۷</sup>، ۲۰۱۳؛ هاگدان و همکاران<sup>۱۸</sup>، ۲۰۰۸؛ هورتون و

پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی  
شماره ۴۹/ بهار ۱۴۰۰

همکاران، ۲۰۱۳) و تبادل اطلاعات بین کشورها (کیم و لی<sup>۱۹</sup>، ۲۰۱۰) نیز از مزایای پذیرش استانداردهای مذکور است. لیکن این امر نیاز به بازنگری کلی صورت‌های مالی بیمه‌گران و تغییرات اساسی در زیرساخت‌های گزارشگری مالی دارد. این برنامه عملیاتی، تغییر عمده برای پیاده‌سازی استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی 17 فراتر از وظایف مالی و قانونی بیمه‌گران را گسترش می‌دهد که تأثیر شگرفی در سیستم‌ها و فرآیندهای بیمه خواهد داشت (یارد و همکاران، ۲۰۱۳). همچنین تأثیرات آن بر کسب‌وکارها در صنعت بیمه، به طیف وسیعی از ذینفعان داخلی و خارجی منتقل می‌شود و می‌بایستی به اطلاع آنها رسانده شود؛ بنابراین این امر یک فرایند زمان‌بر است و نیاز به تلاش قابل توجهی دارد. برنامه تغییرات عمده برای اجرا و پیاده‌سازی استاندارد مذکور، نیاز به هماهنگی تیم‌های مختلف در واحد تجاری دارد. (ارنست و یانگ، ۲۰۱۸). با توجه به مقیاس تغییرات مورد نیاز و پیچیدگی وظیفه پیاده‌سازی، به ویژه در مورد سیستم‌ها، داده‌ها و فرایندها، بیمه باید از لحاظ رسمی اثرات را ارزیابی نماید و سازمان‌ها خود را برای این امر آماده نمایند. با توجه به مقیاس این تغییرات، سرمایه‌گذاران و سایر ذینفعان نیاز است تا تأثیر احتمالی را در اسرع وقت درک کنند. صنعت بیمه در کشور ایران نیز از این امر مستثنی نیست لذا بایستی خود را برای پذیرش استاندارد مذکور آماده نماید. بر این اساس سؤالات اصلی پژوهش بدین شرح می‌باشد:

- ۱) چالش‌های عمومی و خاص پیش روی صنعت بیمه در اجرای استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی شماره ۱۷ چیست؟
- ۲) مدل مناسب برای پیاده‌سازی استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی شماره ۱۷ در صنعت بیمه چگونه است؟

##### ۵- روش تحقیق

در این مطالعه ابتدا مشارکت‌کنندگان در طی فرآیند مصاحبه تلاش می‌کنند درک خود را بیان کنند. سپس محقق سعی می‌کند پاسخ‌های منطقی شرکت‌کنندگان را درک نماید، زیرا تجزیه و تحلیل داده‌ها به ادراکات محقق بستگی دارد. در این خصوص لازم است که پژوهشگر با شناسایی مفاهیم مستتر در دل مجموعه داده‌های گردآوری شده، آن‌ها را به کوچک‌ترین اجزاء مفهومی تقسیم کند. جامعه آماری این مطالعه، معاونین، مدیران ارشد و خبرگان صنعت بیمه می‌باشد. در پژوهش‌های کیفی برای تصمیم‌گیری‌های مربوط به نمونه‌گیری، مهمترین اصلی که در نظر گرفته می‌شود، انتخاب محیط‌ها، زمان‌ها و افرادی است که بتوانند اطلاعات مورد نیاز برای پاسخگویی به سؤال‌های پژوهش را فراهم آورند (بازرگان، ۱۳۸۷). ملاک اصلی انتخاب شرکت‌کنندگان برای پژوهش کیفی، تجربه کردن پدیده مورد مطالعه است. کل شرکت‌های بیمه

در ایران ۳۰ شرکت است و کل افراد متخصص در زمینه گزارشگری مالی ۳۰ نفر هستند. جامعه آماری پژوهش صاحب‌نظران در صنعت بیمه هستند که تجربه کافی در زمینه گزارشگری مالی و استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی دارند و روش نمونه‌گیری، هدفمند است و معیار ورود به مطالعه علاوه بر داوطلب بودن، قدرت بیان و داشتن تجربه در خصوص پدیده مورد نظر می‌باشد. در نمونه‌گیری در پژوهش‌های کیفی تمرکز اساسی بر ایده‌ها است نه بر افراد نمونه. به همین دلیل عموماً مشارکت‌کنندگان به صورت هدفمند (غیر احتمالی) انتخاب می‌شوند. نمونه‌گیری هدفمند یعنی اینکه مشخص گردد که با چه گروه‌ها و افرادی باید گفتگو کرد. منطق نمونه‌گیری هدفمند انتخاب موارد غنی از اطلاعات است، انتخاب مواردی که امکان مطالعه عمیق را فراهم می‌سازد. یکی از موضوعاتی که در خصوص نمونه‌گیری در مطالعات کیفی باید مورد توجه قرار گیرد، این است که پژوهشگر تا چه زمانی باید به نمونه‌گیری ادامه دهد. در پژوهش‌های کیفی معیار دقیقی برای تعیین تعداد نمونه (افراد مطلع و مشارکت‌کننده) وجود ندارد، حجم نمونه فقط از قبل قابل پیش‌بینی است و به‌طور دقیق نمی‌توان حجم نمونه را مشخص نمود. قاعده کلی این است که گردآوری داده‌ها تا زمانی که مقوله‌ها و عناصر اساسی مطالعه به حد اشباع برسند، باید ادامه داد. اشباع یعنی حالتی که پژوهشگر در آن به طور ذهنی به این نتیجه می‌رسد که داده‌های جدید اطلاعات جدیدتری یا شناخت بیشتری نسبت به تدوین مقوله‌ها به دست نمی‌دهند (بازرگان، ۱۳۸۷)؛ به عبارت دیگر، اشباع نظری زمانی حاصل می‌شود که داده جدیدی به دست نیاید و یا آنچه افراد نمونه مطرح می‌کنند در تضاد با دانسته‌های گردآوری شده نباشد و مناسبات میان مقوله‌ها به خوبی مشخص شده باشد. در این مطالعه بر اساس مصاحبه‌هایی که با صاحب‌نظران در صنعت بیمه در سطوح مختلف، انجام می‌شود، داده‌ها گردآوری و تحلیل می‌شوند. لذا ابزار گردآوری داده‌ها در این پژوهش مصاحبه است؛ بنابراین این پژوهش از نظر هدف کاربردی، از نظر ماهیت از نوع پژوهش کیفی و از نظر استراتژی، نظریه بنیان است و به طور کلی طرح پژوهش به شرح زیر می‌باشد.

(۱) در ابتدا پژوهش‌های مرتبط با موضوع بررسی شد تا مطالب استخراج شده از آنها راهنمای پژوهشگر در مرحله تدوین پرسشنامه باشد تا بتوان به برخی از چالش‌های عمومی و خاص پیش روی صنعت بیمه در اجرای استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی شماره ۱۷ دست یافت. به موازات، چارچوب‌های گزارشگری مالی در صنعت بیمه نیز مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

(۲) پژوهشگر و تیم پژوهش، با توجه به شناخت خود از افراد خبره در حوزه صنعت بیمه، تعدادی از این افراد را به طور هدفمند انتخاب می‌نماید و با آنها مصاحبه اکتشافی ۲۰ انجام

خواهد شد تا علاوه بر یافتن برخی از چالش‌های عمومی و خاص پیش روی صنعت بیمه در اجرای استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی شماره ۱۷، راهکارهای برطرف نمودن این چالش‌ها نیز تا حدودی استخراج شود. سؤالات پرسشنامه برای مصاحبه‌های اصلی، بعد از مطالعه دقیق ادبیات پیشین تحقیق و مصاحبه‌های اکتشافی استخراج خواهد شد.

(۳) بعد از شکل‌گیری شاکله مصاحبه‌ها از طریق فرایند ۱ و ۲ فوق، مصاحبه‌های اصلی انجام خواهد شد. مصاحبه‌ها تا جایی ادامه می‌یابد که پژوهشگر قانع شود که اشباع نظری مقوله‌ها رخ داده باشد. هدف غایی مصاحبه‌های اصلی، یافتن چالش‌های عمومی و خاص پیش روی صنعت بیمه در اجرای استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی شماره ۱۷ و نیز استخراج راهکارهای برطرف نمودن این چالش‌ها است. بدین طریق که از طریق مصاحبه با افراد متخصص در صنعت بیمه، ابتدا چالش‌های عمومی و خاص پیش روی صنعت بیمه در اجرای استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی شماره ۱۷ استخراج می‌شود و موازی با استخراج این چالش‌ها، از طریق افراد متخصص این حرفه، راهکارهای برطرف و حل نمودن هر یک از چالش‌های بیان شده نیز کسب می‌شود؛ به عبارت دیگر در این مرحله، هم چالش‌ها استخراج می‌شود و راهکارهای رفع این چالش‌ها، بیان می‌گردد. در تدوین الگوی مناسب برای پیاده‌سازی استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی شماره ۱۷ در صنعت بیمه از فرآیند مندرج در بند ۴ زیر استفاده می‌شود. همزمان از این افراد متخصص در خصوص چارچوب گزارشگری مالی مناسب در صنعت بیمه مبتنی بر استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی نیز سؤالاتی مطرح خواهد شد که در ایجاد چارچوب مذکور مفید باشد.

(۴) موازی با مصاحبه‌های اصلی، پژوهشگر به کدگذاری داده‌ها و استخراج مقوله‌ها می‌پردازد؛ به عبارت دیگر تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی در این پژوهش از طریق روش کیفی و نظریه زمینه بنیان و تحلیل محتوای کیفی انجام خواهد شد. سپس فرآیند دسته‌بندی و مرتب‌سازی که در زمان انجام مصاحبه‌ها نیز در جریان بود، تکمیل می‌گردد. پژوهشگر با فرآیند رفت و برگشت در مسیرهای مصاحبه و مطالعه چندین باره مصاحبه‌ها و تجزیه و تحلیل مقوله‌های استخراج شده سعی می‌نماید تا چارچوب پیاده‌سازی استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی شماره ۱۷ در صنعت بیمه را تدوین نماید. بدین ترتیب الگوی برای اینکه یک شرکت بیمه‌ای در صنعت بیمه برای اجرای و پیاده‌سازی استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی شماره ۱۷، چه اقدامات و فعالیت‌هایی باید انجام دهد تا در زمان اجرای استاندارد مذکور، با مشکل مواجه نشود و بتواند با مدیریت مناسب فرآیند اجرا، از این مرحله عبور نماید.

### ۶- یافته‌های پژوهش

همانگونه که پیشتر بیان گردید، مصاحبه ابزار اصلی گردآوری داده‌ها در این مطالعه است. مصاحبه‌ها با هدف آگاهی از نگرش مصاحبه‌شونده‌ها در خصوص موضوع اصلی مطالعه ترتیب داده شده است. از ۲۰ مصاحبه‌شونده در این پژوهش که در رشته‌های حسابداری و بیمه تحصیل و در زمینه صنعت بیمه تخصص داشته، در ابتدای شروع مصاحبه با تأکید بر رازداری درخواست شد، فرم "مشخصات فردی مشارکت‌کنندگان" که اطلاعاتی راجع به جنسیت، مدرک تحصیلی، سابقه فعالیت، سن و ... را ارائه می‌دهد، تکمیل نمایند. مشخصات مصاحبه‌شونده‌ها در جدول ۱ داده شده است.

جدول ۱- مشخصات مصاحبه‌شونده‌ها

کدهای مصاحبه‌شونده	جنسیت	سن	سابقه کار مرتبط	آخرین مدرک تحصیلی
PI1	مرد	بین ۳۰ الی ۳۵ سال	بین ۱۰ الی ۱۵ سال	کارشناسی
PI2	مرد	بین ۳۵ تا ۴۰ سال	بین ۱۵ تا ۲۰ سال	دکترای تخصصی
PI3	مرد	بین ۳۰ الی ۳۵ سال	بین ۲۰ تا ۲۵ سال	کارشناسی ارشد
I4	زن	بین ۳۵ تا ۴۰ سال	بین ۱۰ الی ۱۵ سال	کارشناسی ارشد
I5	مرد	بین ۴۰ تا ۴۵ سال	بین ۱۰ الی ۱۵ سال	کارشناسی ارشد
I6	مرد	بین ۳۵ تا ۴۰ سال	بیش از ۳۰ سال	کارشناسی ارشد
I7	مرد	بین ۳۵ تا ۴۰ سال	بین ۱۰ الی ۱۵ سال	دکترای تخصصی
I8	مرد	بین ۴۵ تا ۵۰ سال	بین ۲۰ تا ۲۵ سال	کارشناسی
I9	مرد	بین ۳۵ تا ۴۰ سال	بین ۱۰ الی ۱۵ سال	کارشناسی
I10	مرد	بیش از ۵۰ سال	بین ۲۰ تا ۲۵ سال	کارشناسی ارشد
I11	مرد	بین ۳۵ تا ۴۰ سال	بین ۱۰ الی ۱۵ سال	کارشناسی ارشد
I12	مرد	بین ۳۵ تا ۴۰ سال	بین ۱۰ الی ۱۵ سال	کارشناسی ارشد
I13	مرد	بیش از ۵۰ سال	بین ۲۰ تا ۲۵ سال	کارشناسی ارشد
I14	زن	بیش از ۵۰ سال	بین ۱۰ الی ۱۵ سال	دکترای تخصصی
I15	مرد	بین ۳۵ تا ۴۰ سال	بین ۲۵ تا ۳۰ سال	دکترای تخصصی
I16	مرد	بیش از ۵۰ سال	بین ۱۰ الی ۱۵ سال	دکترای تخصصی
I17	زن	بین ۳۵ تا ۴۰ سال	بین ۲۰ تا ۲۵ سال	کارشناسی ارشد
I18	مرد	بین ۳۰ الی ۳۵ سال	بین ۱۰ الی ۱۵ سال	دکترای تخصصی
I19	مرد	بیش از ۵۰ سال	بین ۲۵ تا ۳۰ سال	کارشناسی ارشد
I20	مرد	بین ۳۵ تا ۴۰ سال	بین ۱۰ الی ۱۵ سال	دکترای تخصصی

منبع: یافته‌های پژوهشگر

## ۶-۱- تئوری زمینه بنیان

در این مطالعه تلاش شد تا به کمک رهیافت نظام‌مند نظریه زمینه بنیان و تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه‌های عمیق، متن مصاحبه‌ها کدگذاری و تبیین شده و مدلی مفهومی برای شناخت پدیده چارچوب گزارش دهی بر اساس استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی در صنعت بیمه، توسعه یابد. اشتراوس و کوربین (۱۹۹۸)، نظریه زمینه بنیان را نوعی استراتژی کیفی برای تدوین تئوری در مورد یک پدیده می‌دانند که این کار را از طریق مشخص کردن مؤلفه‌های کلیدی پدیده و تعیین روابط این مؤلفه‌ها درون بستر و فرآیند آن، انجام می‌دهد. همچنین استفاده از نظریه زمینه بنیان به تحدید بهتر ابعاد مسئله کمک نموده و پژوهشگر را در تمرکز بر مؤلفه‌های اثرگذار بر روی مسئله اصلی کمک می‌نماید. تحلیل جزئی داده‌ها، سؤال کردن و تحلیل مقایسه‌ای، روش‌های اصلی تحلیل در نظریه زمینه بنیان هستند. در نظریه زمینه بنیان با مراجعه به داده‌های کیفی مانند متن مصاحبه‌ها با خبرگان ابتدا مفاهیم<sup>۲۱</sup> و مقوله‌ها<sup>۲۲</sup> شناسایی شده و سپس مقوله محوری و ارتباط بین مقوله‌ها مشخص و مدل، الگو، نظریه و ... برخاسته از داده‌ها استخراج می‌گردد. در این بخش با توجه به متن مصاحبه‌های انجام شده به توضیح یافته‌های حاصل از داده‌های مصاحبه‌ها پرداخته شده است.

## ۶-۱-۱- کدگذاری باز

کدگذاری باز، جزئی از تحلیل است که با تحلیل دقیق داده‌ها، نام‌گذاری و طبقه‌بندی داده‌ها انجام می‌شود. این مرحله به عنوان مرحله خرد کردن، بررسی، مقایسه، کدبندی، مفهومی ساختن و مقوله‌بندی داده‌ها تعریف می‌شود. در این فرایند کدها را می‌توان از آثار و ادبیات (کدهای برساخته) یا از اصطلاحات مصاحبه‌شونده‌ها (کدهای زنده)<sup>۲۳</sup> تهیه کرد. استفاده از کدهای زنده از آنجا که به داده‌های مورد مطالعه نزدیک‌ترند، ترجیح داده می‌شوند و علاوه بر کاهش قضاوت در استفاده از اصطلاحات برای کدگذاری، با کمک به ورود اصطلاحات جدید، به غنای ادبیات حوزه مورد مطالعه نیز کمک می‌کنند. در این مطالعه مشارکت‌کنندگان در حین مصاحبه و در پاسخ به سؤال‌های مرتبط با هر یک از ابعاد مدل پارادایمی، به تشریح مسئله پرداخته‌اند. داده‌های خام و نکاتی که بررسی آنها دارای اهمیت تشخیص داده می‌شود، به وسیله بررسی دقیق متن مصاحبه‌ها و یادداشت‌های زمینه‌ای از درون متن احصا و در فرایند مقایسه مداوم، داده‌های مشابهی که بار معنایی یکسانی داشتند، تحت کدهای مشترکی کدگذاری گردیدند و برای هر نکته کلیدی مصاحبه‌ها از کد مصاحبه‌شونده استفاده شد؛ به عبارت دیگر در ابتدا داده‌های جمع‌آوری شده از مصاحبه‌شوندگان از طریق مطالعه سطر به سطر جملات مهم مصاحبه، کدگذاری باز می‌شوند تا به



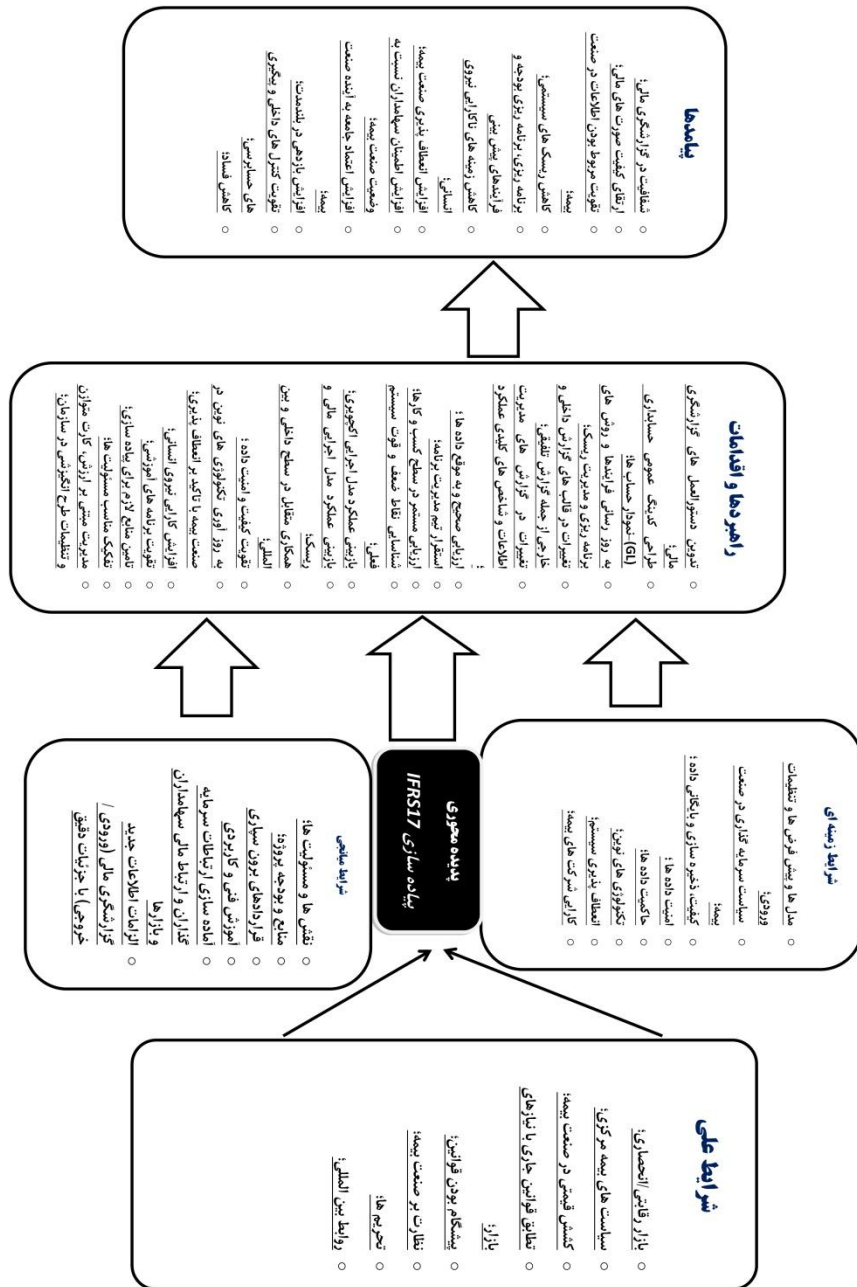
شکل راحت‌تری شباهت‌ها و تفاوت‌ها شناسایی شوند. کدهای باز اولین قدم در تجزیه و تحلیل کدگذاری به شمار می‌روند و در این مرحله از کدگذاری سعی شده است تا از اصطلاح یا عبارتی استفاده شود که معنای کلی عبارت را به درستی در خود جای دهد. پس از کدگذاری نکات کلیدی، کدهای حاصل تحلیل و مقایسه و آن دسته از کدها که به "موضوعی مشترک" اشاره می‌کنند، تحت عنوانی جدید گروه‌بندی می‌شوند. این عنوان جدید و محور مشترک "مفهوم" نامیده می‌شود. در پژوهش حاضر، ابتدا تمام مؤلفه‌های استخراج شده از مصاحبه‌ها را به عنوان کد در نظر می‌گیریم. سپس با در نظر گرفتن شباهت کدها، آن‌ها را در طبقات اصلی‌تری با نام مفهوم، دسته‌بندی می‌کنیم؛ به عبارت دیگر در این شیوه کدگذاری، کدها از متن مصاحبه‌ها استخراج می‌شود و سپس بر روی این کدهای استخراج شده مجدداً کدگذاری دیگری صورت می‌گیرد که مفاهیم را شکل می‌دهد. مفاهیم شامل کلمه‌ها و عبارت‌هایی هستند که تجربه‌های مصاحبه‌شونده‌ها را منعکس می‌نمود.

#### ۶-۱-۲- کدگذاری محوری

کدگذاری محوری فرآیندی است که طی آن داده‌هایی که به مفاهیم و مقوله‌ها تجزیه شده بودند، به شیوه جدیدی مورد بررسی قرار می‌گیرند تا از آن میان بتوان بین یک مقوله و مفاهیم موجود در آن و حتی دیگر مقولات پیوند برقرار کرد. در مرحله کدگذاری محوری، عملیات مرتبط کردن مقوله‌ها به یکدیگر صورت می‌گیرد و بین مقوله‌های اساسی که در کدگذاری باز گسترش یافته بودند، ارتباطات درونی برقرار می‌گردد. اساس این ارتباط دهی بر بسط و گسترش یکی از مقوله‌ها قرار دارد و بر محور یک مقوله مرکزی صورت می‌گیرد (استراوس و کوربین ۱۹۹۰). پژوهشگر در کدگذاری محوری با مقایسه دائمی و نظری مقوله‌ها و طرح پرسش‌هایی درباره آنها که عموماً مشخص‌کننده نوعی رابطه است، به داده‌ها رجوع کرده و به بررسی حوادث و وقایعی که مؤید یا ردکننده پرسش‌ها است، می‌پردازد تا روابط بین مقوله‌ها را توسعه دهد و با خلاقیت‌های فکری، معانی بدست آمده را بر حسب ارتباطاتی که دارند، در چند نقطه به هم وصل یا در چند محور اصلی یا ارتباط نظری مرتب کند (فراستخواه، ۱۳۹۵). مرحله کدگذاری محوری، محقق را قادر می‌کند تا درباره داده‌ها به طور منظم بیندیشد و آن‌ها را به شیوه‌های دیگری به هم پیوند زند (بازرگان، ۱۳۸۷) و فرایند نظریه‌پردازی را به سهولت انجام دهد. این مرحله ارائه یک تصویر کلی از تحقیق را امکان‌پذیر می‌سازد (هومن، ۱۳۹۱).

## ۳-۱-۶- کدگذاری گزینشی

در آخرین مرحله تحلیل داده‌ها که مرحله اصلی نظریه‌پردازی به شمار می‌رود، طی فرایند کدگذاری گزینشی، مقوله‌ها و ارتباط آن‌ها یکپارچه‌سازی شده و به طور منظم در کنار هم قرار می‌گیرند و گزاره‌های به دست آمده در حول یک مفهوم مرکزی که قدرت توضیح‌دهندگی بیشتری دارد، مرتب می‌شوند تا "نظریه" استخراج و مدل مفهومی تحقیق پالایش و توسعه یابد؛ به عبارت دیگر با ارتباط دادن مقوله‌ها و بررسی پیوندهای بین مقوله‌ها نظریه شکل می‌گیرد و آن روابط را در چارچوب یک روایت ارائه کرده و مقوله‌هایی را که به بهبود و توسعه بیشتری نیاز دارند، اصلاح می‌کنند (اشتراوس و کوربین، ۱۹۹۸). کدگذاری گزینشی، بر اساس الگوی ارتباطی شناسایی شده بین مقوله‌ها در مراحل کدگذاری باز و کدگذاری محوری، شروع می‌شود؛ به عبارت دیگر، اولین گام در کدگذاری گزینشی انتخاب "پدیده محوری" است که نمایانگر مضمون اصلی تحقیق است و با توجه به موضوع و مسئله تحقیق انتخاب می‌شود. پدیده محوری، مقوله‌ای است که بیشتر از سایر مقولات در مصاحبه‌ها بدان اشاره شده است و در مرکز مدل قرار دارد و سایر مقوله‌ها به آن مرتبط شده‌اند. پدیده محوری می‌تواند از دل مقوله‌ها استخراج شود یا اینکه محقق با یک اصلاح انتزاعی‌تر که بتواند تمامی مقوله‌ها را در برگیرد آن را بیان نماید. فرآیند انجام این مرحله بدین ترتیب است که ابتدا با بررسی فراوانی مقوله‌ها، پدیده محوری از میان مفاهیم و مقوله‌ها شناسایی می‌شود و سپس ارتباط میان مقوله‌ها و سایر ارتباطات استخراج می‌گردد. البته شناسایی پدیده محوری و مقوله اصلی بر اساس نتایج و ماهیت پدیده‌ها قابل درک است و الزاماً مصاحبه‌شونده‌ها به صورت مستقیم به آن اشاره ننموده‌اند. در نهایت "مدل پارادایمی تحقیق" در شکل (۳) نمایش داده شده است.



شکل ۳- طراحی الگوی پیاده سازی بر اساس استانداردهای بین المللی گزارشگری مالی در صنعت بیمه

## ۷- بحث و نتیجه‌گیری

هدف اولیه هر نظامی از توانگری بیمه اطمینان بخشیدن به بیمه‌گذاران است. یکی از عناصر کلیدی تحقق این امر برای بیمه‌گران، داشتن سرمایه کافی برای پرداخت‌های آتی به بیمه‌گذاران به ویژه در زمان خسارت‌های پیش‌بینی نشده خواهد بود. با بین‌المللی و یکپارچه شدن خدمات مالی و اقتصادی (دربرگیرنده صنعت بیمه) بازار آن به طور روزافزون جهانی می‌شود که این امر موجب افزایش طرح مسئله چگونگی تنظیم و نظارت بر بازار بیمه در سطح محلی، منطقه‌ای و بین‌المللی می‌شود. استاندارد گزارشگری مالی شماره (۱۷)، یکی از ظریف‌ترین و بحث‌برانگیزترین مباحثی است که در عمل و استانداردهای حسابداری به آن پرداخته شده است. استاندارد گزارشگری مالی مفهوم ضروری در حسابداری صورت‌های مالی در صنعت بیمه است که برای بهبود کیفیت گزارشگری مالی ارائه شده است زیرا یکی از دغدغه‌ها و نگرانی‌های اصلی سرمایه‌گذاران این است که گزارش‌های مالی حاوی اطلاعات شفاف و قابل اتکا باشد تا نقش مهمی در پیش‌بینی، قضاوت و تصمیم‌گیری آگاهانه استفاده‌کنندگان داشته باشد. استاندارد گزارشگری مالی شماره (۱۷)، ترازنامه بیمه‌گران را به سمت بازارمحور بودن سوق می‌دهد و عدم تطابق ارزش‌های بازاری دارایی‌ها و ارزش دفتری تعهدات را از بین می‌برد؛ بنابراین، این استانداردها، فرصتی برای بهبود قیاس‌پذیری و ثبات را ایجاد می‌کند؛ اما قیاس‌پذیری برای گزارشگری بیمه‌گران غیر کاربر استاندارد گزارشگری مالی غیرممکن خواهد بود. همچنین با توجه به ارزش‌گذاری کامل بازار نسبت به تعهدات تحت استاندارد گزارشگری مالی شماره (۱۷)، انتظار می‌رود که برخی از بیمه‌گران برای اجتناب از ضعف در سرمایه‌گذاری، به طور پیشگیرانه بر سرمایه احتیاطی خود تا سال ۲۰۲۱ اضافه کنند. تقریباً ۲۰ سال به طول انجامید تا نسخه نهایی استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی شماره ۱۷ با عنوان قرارداد بیمه‌نامه در مه ۲۰۱۷ منتشر شد که یکی از مهمترین تحولات در صنعت بیمه در سال‌های اخیر است. استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی شماره ۱۷ مواردی را که شرکت‌ها باید قراردادهای بیمه صادر شده (از جمله بیمه اتکایی)، معمولاً بیشترین اقلام ترازنامه بیمه‌گر را ارزیابی کنند، تعیین می‌کند؛ بنابراین، در تعیین وضعیت مالی بیمه‌کننده، استاندارد بسیار مهم است. انتظار می‌رود که استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی شماره ۱۷ سودمندی، شفافیت و مقایسه‌پذیری تقسیم‌بندی قانونی از گزارش‌های مالی بیمه را بهبود بخشد. اجرای استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی شماره ۱۷ اثرات بسیاری بر سود و زیان شرکت‌های بیمه‌ای وارد می‌نماید که لازم است تا در سال‌های باقی‌مانده تا اجرای کامل آن (سال ۲۰۲۱) اثرات آن را بر صورت‌های مالی تعدیل نماییم تا در نهایت شرکت‌های بیمه در سال اجرای استاندارد مذکور، با هزینه‌ها و فشار ذخیره‌ی بسیار بالا مواجه نگردند. برای این منظور لازم است تا چالش‌های

پیاده‌سازی استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی شماره ۱۷ در صنعت بیمه بررسی شود و یک چارچوب مناسب برای پیاده‌سازی آن در این صنعت طراحی شود تا شرکت‌ها با اجرای این چارچوب بتوانند در مسیر پیش رو در پیاده‌سازی این استاندارد، با کمترین چالش روبرو شده و مسیر پیش رو را با کمترین ریسک طی نمایند. چالش‌هایی نیز مثل هزینه آموزش کارکنان، به روز رسانی رویه‌های داخلی و برقراری ارتباط در تغییر گزارش به سهامداران و از همه مهمتر زمان و تلاش مورد نیاز این برنامه، هزینه‌های ناملموس قابل توجهی را برای شرکت‌های بیمه در برمی‌گیرد. البته این هزینه برای شرکت‌های مختلف متفاوت است و برآورد این هزینه نیز به علت نبود اطلاعات و روش‌های مدون شده بر دشواری آن می‌افزاید. علاوه بر آن استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی شماره ۱۷ بسته به موجودی شرکت‌ها، روش‌های حسابداری بیمه و همچنین ساختار و اندازه شرکت‌های بیمه ممکن است فرایندی متفاوت را برای هر شرکت رقم بزند که خود تفاوت در روش اندازه‌گیری هزینه ناشی از اجرای آن را نشان می‌دهد. لیکن نقطه مشترک هر سازمان برای برآورد هزینه پیاده‌سازی این استاندارد ناشی از جمع‌آوری اطلاعاتی خواهد بود که بر مبنای این الگو باید انجام شود. یکی دیگر از نکات اساسی که نشان می‌دهد چه راه سختی برای پیاده‌سازی الگوهای استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی شماره ۱۷ در بازار ایران وجود دارد، ساختار و دستورالعمل‌هایی است که بر مبنای روش‌های قدیم بیمه‌گری تدوین و ابلاغ شده و قبل از هر چیز بیمه مرکزی را بر آن می‌سازد که با نگرش استانداردهای گزارشگری مالی بسیاری از این دستورالعمل‌ها و آیین‌نامه‌ها را بازبینی و حتی در بسیاری از موارد تصمیمات و ابلاغیه‌های جدیدی تدوین و جاری سازد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که مقوله‌هایی به مانند بازار رقابتی/انحصاری؛ سیاست‌های بیمه مرکزی؛ کشش قیمتی در صنعت بیمه؛ تطابق قوانین جاری با نیازهای بازار؛ پیشگام بودن قوانین؛ نظارت بر صنعت بیمه؛ تحریم‌ها؛ روابط بین‌المللی؛ مدل‌ها و پیش‌فرض‌ها و تنظیمات ورودی؛ سیاست سرمایه‌گذاری در صنعت بیمه؛ کیفیت، ذخیره‌سازی و بایگانی داده؛ امنیت داده‌ها؛ حاکمیت داده‌ها؛ تکنولوژی‌های نوین؛ انعطاف‌پذیری سیستم؛ کارایی شرکت‌های بیمه؛ نقش‌ها و مسئولیت‌ها؛ منابع و بودجه پروژه؛ قراردادهای برون‌سپاری؛ آموزش فنی و کاربردی؛ آماده‌سازی ارتباطات سرمایه‌گذاران و ارتباط مالی سهامداران و بازارها؛ الزامات اطلاعات جدید گزارشگری مالی (ورودی / خروجی) با جزئیات دقیق؛ تدوین دستورالعمل‌های گزارشگری مالی؛ طراحی کدینگ عمومی حسابداری - نمودار حساب‌ها؛ به روز رسانی فرایندها و روش‌های برنامه‌ریزی و مدیریت ریسک؛ تغییرات در قالب‌های گزارش داخلی و خارجی از جمله گزارش تلفیقی؛ تغییرات در گزارش‌های مدیریت اطلاعات و شاخص‌های کلیدی عملکرد؛ ارزیابی صحیح و به موقع داده‌ها؛ استقرار تیم مدیریت برنامه؛ ارزیابی مستمر در سطح کسب‌وکارها؛ شناسایی نقاط

ضعف و قوت سیستم فعلی؛ بازبینی عملکرد مدل اجرایی اکچوئری؛ بازبینی عملکرد مدل اجرایی مالی و ریسک؛ همکاری متقابل در سطح داخلی و بین‌المللی؛ تقویت کیفیت و امنیت داده؛ به روز آوری تکنولوژی‌های نوین در صنعت بیمه با تأکید بر انعطاف‌پذیری و ... نقش مهمی در پیاده‌سازی استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی شماره (۱۷) در صنعت بیمه دارد. بر اساس یافته‌های حاصل از تحقیق و با عنایت به مقوله‌های شناسایی شده پیشنهاد می‌شود تا شرکت‌های بیمه نسبت به تدوین دستورالعمل‌های گزارشگری مالی و طراحی کدینگ حسابداری در رستای رهنمودهای اجرایی و عملیاتی استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی شماره ۱۷ اقدام نمایند، نسبت به، به روز رسانی فرایندها و روش‌های برنامه‌ریزی و مدیریت ریسک و تغییرات در قالب‌های گزارش داخلی و خارجی از جمله گزارش تلفیقی در راستای استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی شماره ۱۷ اقدام شود. همچنین تغییرات در گزارش‌های مدیریت اطلاعات و شاخص‌های کلیدی عملکرد؛ ارزیابی صحیح و به موقع داده‌ها؛ استقرار تیم مدیریت برنامه و ارزیابی مستمر در سطح کسب، در رستای رهنمودهای اجرایی و عملیاتی استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی شماره ۱۷ فراهم گردد. از سوی دیگر بازبینی عملکرد مدل اجرایی اکچوئری و عملکرد مدل اجرایی مالی و ریسک در رستای رهنمودهای اجرایی و عملیاتی استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی شماره ۱۷ می‌بایستی انجام شود. برای پیاده‌سازی صحیح لازم است تا همکاری متقابل در سطح داخلی و بین‌المللی صورت پذیرد. همچنین تقویت کیفیت و امنیت داده و به روز آوری تکنولوژی‌های نوین در صنعت بیمه با تأکید بر انعطاف‌پذیری برای پیاده‌سازی لازم است و لذا شرکت‌های بیمه باید بتوانند در این خصوص برنامه‌ریزی‌های اساسی داشته باشند. همچنین پیشنهاد می‌شود در راستای افزایش کارایی نیروی انسانی و تقویت برنامه‌های آموزشی و تأمین منابع لازم برای پیاده‌سازی در راستای پیاده‌سازی در راستای پیاده‌سازی استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی شماره ۱۷ انجام شود.

خروجی یک تحقیق کیفی می‌بایستی چراغ راهی برای تحقیقات بعد از خود شود؛ بنابراین در تحقیق به روش گراند تئوری علاوه بر اینکه به صورت عمیق به موضوع مورد بررسی، پرداخته می‌شود، مفاهیم و مقوله‌هایی که قبلاً توجه کمتری بدان‌ها شده است، شناسایی می‌گردند که هریک خود به تنهایی می‌توانند موضوعی برای تحقیقات بیشتر آتی باشند. خلاصه‌ای از بحث‌های خاص و موضوعات حائز ارزش برای تحقیقات آتی به شرح زیر ارائه می‌گردد.

- (۱) بررسی تأثیر بازار رقابتی/انحصاری بر کیفیت گزارشگری مالی در صنعت بیمه.
- (۲) بررسی روابط بین سیاست‌های بیمه مرکزی و تأثیر آن بر نحوه افشا در صورت‌های مالی شرکت‌های بیمه.
- (۳) بررسی تأثیر تحریم‌ها بر شفافیت گزارشگری مالی در صنعت بیمه.

### فهرست منابع

- ۱) استراوس، آنسلم و جولیت کوربین، (۱۹۹۸)، "اصول روش تحقیق کیفی، نظریه مبنایی- رویه‌ها و شیوه‌ها"، ترجمه بیوک محمدی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ۱۳۹۳، چاپ سوم.
- ۲) بازرگان، عباس، (۱۳۸۷)، روش تحقیق کیفی، انتشارات آگاه.
- ۳) بولو، قاسم، (۱۳۸۵)، "گزارش پژوهشی تدوین استاندارد حسابداری برای فعالیت‌های بیمه"، گروه کارشناسی مدیریت تدوین استانداردهای حسابداری، سازمان حسابرسی.
- ۴) چالش‌های اجرای IFRS از منظر مدیران مالی، (۱۳۹۷)، "مجله حسابدار"، شماره ۴۱، صص ۲۹-۳۱.
- ۵) حساس یگانه، یحیی، اسحاق بهشور و مسعود شکری کیانی، (۱۳۹۷)، "رابطه بین شفافیت گزارشگری مالی و نرخ مؤثر مالیاتی"، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، ۱۰(۳۸)، صص ۱-۳۰.
- ۶) حیدر پور، فرزانه و سمیه زارع رفیع، (۱۳۹۳)، "تأثیر متغیرهای سود تقسیمی و فرصت‌های رشد بر رابطه کیفیت گزارشگری مالی و نوسان‌پذیری بازده سهام"، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، ۶(۲۲)، صص ۲۱۳-۲۴۷.
- ۷) دارابی، رؤیا، مهناز ربیعی و مجید اله وردی، (۱۳۹۲)، "مقایسه استاندارد حسابداری شماره ۲۸ با آیین‌نامه شماره ۵۸ شورای عالی بیمه"، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، سال پنجم، شماره ۲۰، صص ۵۷-۸۲.
- ۸) سهرابی عراقی، محسن، رؤیا دارابی و مجید اله ورودی، (۱۳۹۰)، "وجوه افتراق استاندارد حسابداری شماره ۲۸ با آیین‌نامه ذخایر فنی مؤسسات بیمه شوریاعالی بیمه"، پژوهش‌نامه بیمه/سال بیست و ششم/شماره ۲/ شماره مسلسل ۱۰۲/ صص ۱۷۷-۱۹۶.
- ۹) صالحی، مهدی، عسل بخشیان و فتانه داوطلب طوسی، (۱۳۹۶)، "تأثیر تمرکز مالکیت و درجه کنترل بر ارزش شرکت در صنعت بیمه"، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، ۹(۳۳)، صص ۲۹-۵۰.
- ۱۰) علوی طبری، سید حسین و منا پارسایی، (۱۳۹۸)، "رابطه کیفیت حسابرسی با شفافیت شرکتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، ۱۱(۴۱)، صص ۴۳-۶۸.
- ۱۱) مدیریت طرح و برنامه اداره بررسی‌های بیمه مرکزی ایران، (۱۳۸۸)، "سالنامه آماری صنعت بیمه"، بیمه مرکزی ایران.

۱۲) نعمت‌اللهی، امیررضا، رؤیا دارابی، فاطمه صراف و یداله نوری فرد، (۱۳۹۸)، "عوامل مؤثر بر شفافیت اطلاعات مالی در صنعت بیمه"، حسابداری مدیریت، ۱۲(۴۲)، صص ۸۹-۱۰۲.

۱۳) ورادی، جواد، حسین جعفری جم و حمید زارعی، (۱۳۹۷)، "استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی: مزایا و چالش‌ها برای سرمایه‌گذاران"، پژوهش حسابداری و حسابرسی، ۸(۲)، صص ۴۷-۶۹.

- 14) Dutta, S., Gigler, F., (2002), "The Effect of Earnings Forecasts on Earnings Management", J. Account. Res. 40 (3), PP. 631-655.
- 15) European Commission, (EC), (2002), Regulation (EC) No 1606/2002 of the European Parliament and of the Council of 19 July 2002 on the Application of International Accounting Standards. Off. J. Eur. Commun.
- 16) EY-ifrs-17-global-dsp-considerations (2018), "Impacts of IFRS ۱۷Insurance Contracts Accounting Standard", Considerations for,Data Systems and Prozesse.
- 17) Financial Accounting Standards Board (FASB). (2014), "Comment Letter and other Feedback Summary for Insurance Contracts (Topic 834)", Joint Board Meeting Minutes of January 22, Norwalk, CT.
- 18) Financial Accounting Standards Board (FASB), (2018), "Accounting Standards Update 2018-12— Financial Services—Insurance (Topic 944): Targeted Improvements to the Accounting for Long-Duration Contracts", Norwalk, CT.
- 19) Hirst, D.E., Koonce, L., Venkataraman, S., (2008), "Management Earnings Forecasts: a Review and Framework", Account. Horizons 22 (3), PP. 315-338.
- 20) Hodgdon, C., Tondkar, R.H., Harless, D.W., Adhikari, A., (2008), "Compliance with IFRS Disclosure Requirements and Individual Analysts' Forecast Errors", J. Int. Account. Audit. Tax. 17, PP. 1-13.
- 21) IASB (International Accounting Standards Board), (2006), "China Affirms Commitment to Converge with IFRSs", IASB News: Announcements and Speeches.
- 22) Insurance Regulatory Authority, (2011), "the Insurance Market Conduct Guidelines for Insurance Intermediaries", Nairobi: Insurance Regulatory Authority.
- 23) International Accounting Standards Board, (2004), "International Financial Reporting Standards 4(Insurance Contracts).
- 24) International Accounting Standard for Insurance, (1999, 2003),
- 25) International Accounting Standards Board (IASB). (2017), "Insurance Contracts", International Financial Reporting Standards 17. London, U.K.
- 26) International Association of Insurance Supervisors (2011), "Insurance Core Principles Standards", Guidance and Assessment Methodology Basel: International Association of Insurance Supervisors.
- 27) Kim, Y., Li, S., (2010), "Mandatory IFRS Adoption and Intra-industry Information Transfers", Working Paper, Santa Clara University.



- 28) Landsman, W.R., Maydew, E.L., Thornock, J.R., (2012), "The Information Content of Annual Earnings Announcements and Mandatory Adoption of IFRS", *J. Account. Econ.* 53, PP. 34–54.
- 29) Lang, M., Stice-Lawrence, L., (2016), "Textual Analysis and International Financial Reporting: Large Sample Evidence", *J. Account. Econ.* 60, PP. 110–135.
- 30) Li, S., (2010), "Does Mandatory Adoption of International Financial Reporting Standards in the European Union Reduce the Cost of Equity Capital?", *Account. Rev.* 85 (2), PP. 607–636
- 31) Li, X., Yang, H., (2016), "Mandatory Financial Reporting and Voluntary Disclosure: the Effect of Mandatory IFRS Adoption on Management Forecasts", *The Account. Rev.* 91 (3), PP. 933–953.
- 32) MOF (China's Ministry of Finance), (2006), "Collection of Release Ceremony for Chinese Accounting Standards System for Business Enterprises and Chinese Auditing Standards System", Economic Science Press (in Chinese and English).
- 33) Rahman M (2017), "Financial Reporting Practices in the Insurance Company in Bangladesh: An Evaluation of the Implementation of IFRS 4, Insurance Contract", *J Account Mark* 6: 218. doi:10.4172/2168-9601.1000218

#### یادداشت‌ها

- <sup>1</sup> Tan et al
- <sup>2</sup> Landsman et al
- <sup>3</sup> Byard et al
- <sup>4</sup> Hodgdon et
- <sup>5</sup> Kim and Li
- <sup>6</sup> Dutta and Gigler
- <sup>7</sup> Lang Stice-Lawrence
- <sup>8</sup> Hirst et al
- <sup>9</sup> Li and Yang
- <sup>10</sup> Dipiazza and Eccles
- <sup>11</sup> Organization for Economic Co-operation and Development
- <sup>12</sup> Rahman
- <sup>13</sup> Target Operating Model (TOM)
- <sup>14</sup> Data, Systems and Processes(DSP)
- <sup>15</sup> People
- <sup>16</sup> Tan et al
- <sup>17</sup> Byard et al
- <sup>18</sup> Hodgdon et
- <sup>19</sup> Kim and Li
- <sup>20</sup> Exploratory Interview
- <sup>21</sup> Concept
- <sup>22</sup> Category
- <sup>23</sup> Code In-Vivo